

دکتر کریگ کینر، متیو، سخنرانی ۹

متی ۱: ۶-۱۸

کریگ کینر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ۹، متی ۷-۸ است.

متی فصل شش آیات یک تا ۱۸. عیسی در مورد انجام اعمال نیک خود فقط برای دیدن خدا صحبت می‌کند، نه برای دیدن دیگران، نه برای اینکه دیگران شما را تکریم کنند. و او مثال‌هایی از صدقه، دعا و روزه می‌آورد. و در میان بحث روزه، چیزی را که ما دعای ربانی می‌نامیم، مطرح می‌کند.

حالا این در جای دیگری از انجیل لوقا ظاهر می‌شود، اما به یاد داشته باشید که متی دوست دارد مطالب را به صورت موضوعی مرتب کند. البته، ممکن است عیسی این دعا را بیش از یک بار و با اشکال کمی متفاوت تعلیم داده باشد. اما در هر صورت، در این مرحله، ما دعای ربانی را داریم.

و همانطور که قبلاً اشاره کردیم، این دعا شباهت‌هایی با دعای کادیش دارد. بنابراین، عیسی نوع دعایی را که شاگردانش از قبل با آن آشنا بودند، اقتباس کرد. اصول خوب زیادی از قبل توسط افرادی که خود را در کتاب مقدس غرق کرده بودند و به امور خدا اهمیت می‌دادند، وجود داشت.

و بسیاری از مردم مرتباً کادیش تقدیم می‌کردند، و چیزی شبیه به این آغاز شد، نام بزرگ او متعالی و مقدس باد. باشد که پادشاهی او به سرعت و به زودی فرا رسد. عبارت «پدر ما در آسمان» در دعا‌های یهودیان بسیار رایج بود و خدا را به عنوان پدر قوم یهود می‌شناساند.

گاهی اوقات در ادبیات یونانی نیز، از خدای اصلی به عنوان پدر جهان، خالق جهان یاد شده است. برای عیسی، این خدا پدر قومش است. منظور از «پدر ما» چیست؟ خب، با توجه به زمینه‌های مختلف، ممکن است این را تا حدودی متفاوت بفهمیم.

این عبارت مرتباً در دعا‌های یهودی ظاهر می‌شود، زیرا در فرهنگ یهود باستان، پدر معمولاً کسی بود که می‌توانستید روی او حساب کنید، کسی که شما را دوست داشت و برایتان تأمین می‌کرد، کسی که شما را تنبیه می‌کرد، اما فقط با عشق. خب، امروزه برخی افراد پیشینه‌های متفاوتی دارند. منظورم این است که اگر کسی توسط پدرش مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد، ممکن است عبارت «پدر ما» را به عنوان روشی خوشایند برای بیان مسائل در نظر نگیرد.

بنابراین، مهم است که به یاد داشته باشیم وقتی این دعا را می‌خوانیم، منظور چیست، سعی کنیم بگوییم، بسیار خوب، این همان نوع پدری است که در موردش صحبت می‌شود. این نوعی ابراز وابستگی است درست همانطور که قبل از این دعا می‌گوید، که، می‌دانید، بت‌پرستان، با این همه لفاظی دعا می‌کنند و سعی می‌کنند خدایان را وادار به انجام کاری کنند تا آنها را دستکاری کنند. اما ما مجبور نیستیم این کار را انجام دهیم، زیرا پدر ما قبل از اینکه از او بخواهیم، می‌داند که ما چه نیاز داریم.

به همین ترتیب در فصل هفتم، آیات هفت تا یازده. اگر چیز خوبی بخواهید، پدرتان قرار نیست سنگ یا چیز بدی به شما بدهد. پدرتان می‌خواهد چیزهای خوب به شما بدهد.

بنابراین، این دعایی برای توکل است. این دعای کسی است که مانند یک کودک می‌شود، پادشاهی را مانند یک کودک دریافت می‌کند، کسی که به خدا متکی است. دعا‌های یهودی اغلب از پدر ما صحبت می‌کردند، اما به ندرت از پدر من صحبت می‌کردند، همانطور که عیسی اغلب اینگونه صحبت می‌کند.

عبارت «آبا» استفاده می‌کردند. شما این را در مرقس ۱۴:۳۶ می‌بینید، و سپس متوجه می‌شوید که مسیحیان اولیه اغلب از الگوی عیسی پیروی می‌کنند، در غلاطیان ۴، در رومیان ۸، روح به قلب‌های ما می‌آید و باعث می‌شود که ما «آبا»، پدر، را فریاد بزنیم، زیرا ما نیز به خاطر عیسی، پسر خدا، فرزندان خدا هستیم. و بنابراین برخی استدلال کرده‌اند که خب، این خیلی نادر نبود، زیرا ما نمونه‌هایی از یهودیان داریم که از خدا به عنوان «آبا» یاد می‌کنند.

اما نمونه‌هایی که داریم مربوط به قرن‌ها بعد است. همه نمونه‌ها به یک مناسبت اشاره دارند، یک مثل که توسط یک خاخام گفته شده، و این یک دعا نیست، بلکه مقایسه خدا با یک آبا است، و همیشه به همان خاخام نسبت داده می‌شود. بنابراین واضح است که ایده خطاب کردن خدا در دعا به عنوان آبا، چیز نادری بوده است.

آبا، می‌دانی، این فقط بچه‌های کوچک نیستند. بزرگسالان هم می‌توانستند این کار را انجام دهند، اما این یک عنوان احترام بود، اما همچنین عنوانی از صمیمیت، عنوانی از محبت زیاد بود. و عیسی این را در مورد رابطه‌اش با پدرش به کار می‌برد و آن را به ما نیز منتقل کرده است.

البته، در دعای ربانی، همانطور که در انگلیسی داریم، فقط از کلمه «پدر» استفاده می‌شود، اما می‌دانیم که عیسی به ما روشی صمیمانه‌تر نیز آموخته است، اینکه وقتی از پدر صحبت می‌کنیم، منظور صمیمیت است. و این یکی از ویژگی‌های کلیدی است که در انجیل‌ها از عیسی می‌بینیم، صمیمیت او با پدر، و نمونه‌ای از این صمیمیت، یعنی توکل خالصانه به خدا، را برای ما ارائه می‌دهد. در متی، برخلاف نسخه لوقا، در متی دو مجموعه درخواست وجود دارد.

شما درخواست‌های «تو» را دارید، و درخواست‌های «ما» را دارید. حالا، «تو» خیلی تأکیدی است. شما در زبان یونانی، «تو» یا «تو» هر بار در انتهای عبارت ظاهر می‌شود، و این تکرار آن را بسیار تأکیدی می‌کند.

نام تو مقدس باد، پادشاهی تو بیاید، اراده تو همانطور که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود. ما ابتدا پادشاهی را جستجو می‌کنیم، حتی در دعا، و اعتماد داریم که همه این چیزها به ما اضافه خواهد شد. بنابراین، وقتی دعا می‌کنیم، باید مطمئن شویم که نه تنها برای چیزهایی برای خودمان دعا می‌کنیم، بلکه برای برنامه‌های بزرگتر خدا در جهان نیز دعا می‌کنیم.

خدا به نیازهای جهان اهمیت می‌دهد. خدا به مردمی که در جاهای مختلف رنج می‌برند اهمیت می‌دهد. خدا به پیشروی ناموسش اهمیت می‌دهد، زیرا این چیزی است که مردم بیش از همه به آن نیاز دارند.

این چیزی است که می‌تواند بیشترین تغییر را در زندگی مردم ایجاد کند، شناخت خداوند است. بنابراین، ما گفته می‌شود، ما برای (Kaddish) برای وقوع آن اتفاقات دعا می‌کنیم. و در نهایت، همانطور که در کادیش آمدن پادشاهی خدا به کامل‌ترین شکل ممکن دعا می‌کنیم.

برای ما، پادشاهی هنوز نیامده است، اما ما هنوز برای پادشاهی آینده، بخشی که هنوز به آن تعلق نگرفته است، دعا می‌کنیم. برخی افراد همچنین گفته‌اند که این درخواست‌ها معطوف به آینده هستند، اما من فکر می‌کنم که معمولاً، مانند سایر انواع دعاها در دوران باستان، این درخواست‌ها احتمالاً بیشتر معطوف به

زمان حال و برای نیازهای کنونی ما هستند. ما درخواست‌ها به ما نان می‌دهند، گناهان ما را می‌بخشند و ما را نه به آزمایش، بلکه به رهایی می‌رسانند.

اما اینها دعا‌های دسته جمعی ما نیز هستند. بنابراین، این نه تنها برای خودمان، بلکه برای دیگران نیز اهمیت دارد. دعا کردن برای خودتان هم اشکالی ندارد، اما من فقط سعی می‌کنم تأکیدات دیگری را که اینجا داریم برجسته کنم.

تقدیس نام خدا به چه معناست؟ پیامبران اغلب در مورد تقدیس، تقدیس یا تقدیس نام خدا در زمان آخر صحبت کرده‌اند. به عنوان مثال، در حزقیال ۳۶، خداوند متعال اعلام می‌کند که ملت‌ها خواهند دانست که من خداوند هستم، زمانی که خود را از طریق تو در نظر آنها مقدس نشان دهم. این دعایی برای آینده است، اما همچنین چیزی است که باید اکنون به طور مداوم با آن زندگی کنیم.

همانطور که در کادیش آمده، برای آینده است، اما اگر برای آن دعا می‌کنید، باید با آن ارزش نیز به طور مداوم زندگی کنید. من به تقدیس نام خدا اهمیت می‌دهم. خب، پس می‌خواهم به گونه‌ای زندگی کنم که نام خدا را تقدیس کند.

جورج فوت مور، در درجه اول به ادبیات خاخام‌ها اشاره می‌کرد، اما حدود یک قرن پیش، او از کادیش هاشم، تقدیس نام خدا، به عنوان اساسی‌ترین اصل اخلاق یهودی صحبت کرد. در واقع، تقدیس نام خدا آنقدر مهم بود و بی‌حرمتی به نام خدا آنقدر وحشتناک بود که برخی از خاخام‌ها حتی می‌گفتند، اگر فقط مجبور به گناه کردن هستید، نمی‌توانید خودتان را کنترل کنید، خود را به شکل یک غیریهودی درآوردید و به جایی بروید که هیچ کس شما را نمی‌شناسد و در آنجا گناه کنید، تا نام خدا را بی‌آبرو نکنید. خب، آنها به معنای واقعی کلمه نمی‌گفتند که باید این کار را انجام دهید.

این فقط یک روش واضح برای گفتن این بود که نام خدا را بی‌حرمت نکنید، مهم نیست چه اتفاقی بیفتد، مطمئن شوید که نام خدا مقدس است. آمدن پادشاهی خدا به چه معناست؟ همانطور که قبلاً گفتیم، یهودیان تشخیص دادند که خدا در زمان حال سلطنت می‌کند، اما آنها همچنین به دنبال سلطنت یا پادشاهی او به معنای خاص بودند.

وقتی خدا بدون هیچ چالشی سلطنت کند، عدالت و صلح را در سراسر جهان برقرار خواهد کرد و قوم خود را از ظلم و ستم رهایی خواهد بخشید. خدا اغلب اکنون کار می‌کند. ما می‌دانیم که اینها چیزهایی هستند که خدا به آنها اهمیت می‌دهد، و بنابراین می‌خواهیم اکنون تا جایی که می‌توانیم برای عدالت و صلح و برآوردن نیازهای مردم برای این چیزها تلاش کنیم.

اما ما می‌دانیم که پادشاهی هنوز فرا نرسیده است. ما اکنون برای آن تلاش می‌کنیم، اما در نهایت خود خدا، آن را با آمدن پادشاه به کمال خواهد رساند. پیامدها؟ خب، ما باید اکنون نیز همانطور که در آسمان است برای اراده او در زمین تلاش کنیم.

و وقتی دعا می‌کنیم، باید برای چیزهایی که در آسمان هستند دعا کنیم، اینکه خدا نیازهای مردم را برآورده کند. این دعا برای افرادی نیست که به این سن راضی هستند. این دعا برای افرادی نیست که می‌گویند، اوه، من هر چه می‌خواهم دارم، فقط راضی هستم.

این دعایی است که برای افرادی در نظر گرفته شده است که متوجه شده‌اند دنیا هنوز درست نشده و ما منتظر دنیای آینده هستیم. و همچنین، این دعا پیامدهایی برای انتشار انجیل دارد زیرا در آیه ۱۴:۲۴، خبر

خوش پادشاهی باید قبل از فرا رسیدن پایان به همه ملت‌ها برسد. و آیات ۲۸۱۹ و ۲۸۲۰ نیز در مورد این موضوع صحبت می‌کنند.

در مورد دادن نان روزانه‌مان در این روز، بحثی وجود دارد، به خصوص برای کسانی که فکر می‌کنند صحبت از وعده‌ای در آینده است. آیا این صحبت از نان فردا است یا نان امروز؟ این عبارت خاص برای ما ناآشناست. ما آن عبارت را در جای دیگری تأیید نکرده‌ایم.

خب، ما در زمان حال به نان نیاز داریم. و بنابراین، احتمالاً در مورد مائده آسمانی آینده صحبت نمی‌کند، اگرچه آن هم وعده داده شده است. اما احتمالاً، می‌دانید، اکثر افرادی که در دوران باستان برای نان دعا می‌کردند، اینگونه دعا می‌کردند: خدایا، لطفاً نیازهای مرا برآورده کن.

چیزی شبیه به چیزی که در امثال ۳۰ و آیه ۸ آمده است: «مقدار نان مورد نیاز امروز را به من بدهید.» نان روزانه ما چیست؟ تخمین زده می‌شود که بین ۷۰ تا ۹۰ درصد مردم در دنیای مدیترانه، دهقانان روستایی بودند که بسیاری از آنها روی املاک دیگران کار می‌کردند، اما برخی از آنها خودشان زمین‌های کوچکی داشتند. آنها اغلب به خدایان دعا می‌کردند زیرا می‌دانستند که نمی‌توانند برای آوردن باران، برداشت محصول و موارد مشابه به خودشان متکی باشند.

چه زمانی قوم اسرائیل بیشترین وابستگی را به خدا برای نان روزانه داشتند؟ بدیهی است که وقتی آنها در بیابان بودند، نمی‌توانستند زراعت کنند، نمی‌توانستند نان خود را پرورش دهند. و همانطور که خدا در بیابان برای قوم خود روزی فراهم می‌کرد، می‌توانیم اعتماد کنیم که خدا اکنون نان روزانه ما را فراهم خواهد کرد. مواقعی در زندگی من بوده است که همیشه نمی‌دانستم وعده غذایی بعدی‌ام از کجا خواهد آمد.

اما معمولاً الان، می‌دانید، من به غذای بیشتری دسترسی دارم و برخی از درخواست‌های دیگر با شدت بیشتری به من ضربه می‌زنند. اما ما هنوز می‌دانیم که بسیاری از برادران و خواهران ما به نان روزانه نیاز دارند و می‌توانیم برای همه ما دعا کنیم. و ما همیشه باید به او وابسته باشیم زیرا نمی‌دانیم چه اتفاقی ممکن است بیفتد.

عیسی در متی ۴ برای نان خود به پدر آسمانی‌اش وابسته بود و الگویی از این موضوع برای ما ارائه می‌دهد. ما نباید آنقدر از خود راضی باشیم که نتوانیم با این درخواست ارتباط برقرار کنیم. وقتی او در مورد بخشیدن بدهی‌های دیگران صحبت می‌کند، باشد که خداوند بدهی‌های ما را ببخشد، همانطور که ما دیگران را که در حق ما گناه کرده‌اند می‌بخشیم.

دهقانان اغلب مجبور بودند برای خرید غلات و کاشت مزارع خود پول قرض بگیرند. برخی از وام‌دهندگان غیر یهودی تا ۵۰٪ بهره دریافت می‌کردند. این یک نمونه افراطی و نادر است.

اما وام‌دهندگان غیر یهودی اغلب بهره زیادی می‌گرفتند. وام‌دهندگان یهودی مجاز به انجام این کار نبودند. آنها قرار نبود از یهودیان دیگر بهره بگیرند.

خب، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا شما به کسی پول قرض می‌دهید که برای خرید غله و کاشت در مزارع خود به پول نیاز دارد؟ اگر برداشت بدی داشته باشد و نتواند بازپرداخت کند چه اتفاقی می‌افتد؟ یا وقتی سال هفتم سال یوبیل، فرا می‌رسد، زمانی که قرار است همه بدهی‌ها بخشیده شوند چه اتفاقی می‌افتد؟ شما پول خود را پس نمی‌گیرید. بنابراین، وام‌دهندگان، افرادی که پول کافی برای قرض دادن به دیگران داشتند، وام دادن را متوقف کردند زیرا به اصطلاح از نظر اقتصادی به نفع آنها نبود.

به همین دلیل است که وقتی به کنفرانس‌ها می‌روم، برخلاف بعضی افراد دیگر، کتاب‌هایم را برای فروش با خودم نمی‌برم، چون همیشه آنها را به قیمت تمام‌شده می‌فروشم، بدون اینکه سودی ببرم. و اگر کسی به من پول نمی‌داد، من ضرر می‌کردم. بنابراین، آنها راهی برای دور زدن این مشکل پیدا کردند.

معلمان یهودی گفتند، آه، ما راهی برای دور زدن آن داریم، به نام «ممکن». شما به معبد پول می‌دهید. معبد به دهقانان پول قرض می‌دهد.

دهقانان باید به معبد پول بدهند و معبد هم به رباخوار پول خواهد داد. بنابراین این راهی برای دور زدن نص قانون بود، اما در واقع به روح قانون کمک می‌کرد، زیرا حداقل از این طریق مردم می‌توانستند پولی را که نیاز داشتند، دریافت کنند. ما را ببخشید.

دوباره، آیه ۱۲. بدهی‌های ما را ببخش. خب، این یک دعای رایج بود که قوم یهود می‌کردند.

آنها نیاز خود را به بخشش تشخیص دادند. آنها دعایی به نام شمونا داشتند. اسری، هجده دعای خیر. این ششمین دعای خیر از هجده دعای خیر بود.

ما را ببخش. در آنجا مشروط به بخشیدن دیگران نبود، اما این مفهوم شناخته شده بود. در کتاب سیراخ، در سیراخ ۲۸، همسایه خود را به خاطر خطایی که همسایه‌تان مرتکب شده است ببخشید، و سپس وقتی دعا می‌کنید، گناهان شما بخشیده خواهد شد.

عیسی در ادامه می‌گوید، دعا کنید که ما را به آزمایش نیندازید، بلکه ما را از شریر رهایی ببخشید. منظور از اینکه می‌گوییم ما را به آزمایش نیندازید چیست؟ آیا منظور این است که خدایا، لطفاً ترتیبی بده که ما هرگز، آزمایش نشویم؟ لطفاً ترتیبی بده که هرگز دوران سختی که ایمان ما را آزمایش می‌کند، نداشته باشیم. خب، می‌توانید دعا کنید که ضرری ندارد اگر چنین چیزی بخواهید، اما احتمال وقوع آن زیاد نیست.

به یاد داشته باشید، عیسی در متی فصل ۴ از آزمایش‌ها سر بلند بیرون آمد و الگویی از آن برای ما به جا گذاشت. اما کل متن انجیل متی را به یاد بیاورید. ۲۶:۴۱، عیسی به شاگردانش می‌گوید که در جتسیمانی به خواب رفته‌اند.

بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید. آزمایش از قبل در راه رسیدن به بالای تپه بود. آزمایش در راه بود.

نکته، اجتناب از آزمایش نبود. نکته، قبول شدن در آزمون بود. و احتمالاً نکته‌ی اصلی همین جاست.

این روشی است که این زبان گاهی در دعا‌های یهودی استفاده می‌شد. یک دعای عصر یهودی وجود دارد که عبارت مشابهی را به روشی مشابه به کار می‌برد. و این دعای عصر یهودی به این شکل است: پای مرا به سوی قدرت گناه نکش، مرا به سوی قدرت گناه، و نه به سوی قدرت وسوسه، و نه به سوی قدرت هر چیز شرم‌آوری نبر.

پس، نگذار که ما تسلیم آزمایش‌ها شویم. ما را رهایی بخش. و همچنین، آن بخش که مربوط به رهایی ما از شر است.

این به زبان یونانی بیان شده است. لزوماً به این معنی نیست که به معنای شریر است، اما احتمالاً به شریر اشاره دارد. او در جای دیگری از متی این را نامیده است.

او در جای دیگری از عهد جدید این را گفته است. نگذارید تسلیم نقشه‌های شیطان شویم. خداوند از آزمایش برای خیریت ما استفاده می‌کند.

شریر آن را به عنوان وسوسه‌ای برای بدی ما در نظر دارد. به همین دلیل است که او در متی ۴ و آیه ۳ وسوسه‌گر نامیده شده است، همچنین در متی ۴ و آیه ۵ ابلیس و در فصل ۴ و آیه ۱۰ شیطان نامیده شده است. این ایده‌ای است که ما در غرب اغلب از آن غفلت می‌کنیم، اما در برخی از نقاط جهان مردم بیشتر از ماوراءالطبیعه آگاه هستند، در واقع بهتر است بگوییم بُعد فوق بشری و در عین حال شخصی شر.

برخی از اشکال شر در جهان وجود دارند که بسیار بسیار وحشتناک هستند و توضیح آنها بدون وجود شیطان دشوار است. اما همانطور که اشاره کردیم، سه درخواست برای شما و سه درخواست برای ما وجود دارد. خب، در مورد پایان دعا چطور؟ همانطور که اغلب در بسیاری از ترجمه‌های کتاب مقدس دعا می‌شود، حداقل گاهی اوقات در پاورقی ذکر می‌شود، یا اغلب در کلیساهای آنها دعا می‌شود، پادشاهی و قدرت و جلال از آن شماس است.

خب، این زبان کتاب مقدس است. منظورم این است که شما چنین زبانی را به وضوح در مزامیر دارید، اما در نسخه‌های خطی اولیه متی وجود ندارد، احتمالاً نه در متن اصلی متی. بگذارید اینجا چیزی در مورد آنچه نقد متنی نامیده می‌شود بگوییم، فقط برای اینکه اگر آن را جای دیگری نشنیده‌اید، هرچند احتمالاً آن را جای دیگری شنیده‌اید.

آنچه ما در مورد عهد جدید داریم، بهترین اثر تأیید شده از دوران باستان مدیترانه است. ما تعدادی نسخه خطی از آن داریم. برای جنگ گالیک سزار، شاید 30 نسخه خطی داریم.

برای برخی از آثار تاریخی بسیار مهم، ما فقط یک نسخه خطی از جهان باستان داریم، که گاهی اوقات مربوط به ۹۰۰ سال بعد است. دومین اثر معتبر از دوران باستان مدیترانه، ایلید هومر، کمتر از ۷۰۰ نسخه در دسترس دارد. اما برای راهبان در قرون وسطی، چیزی که دوست داشتند کپی کنند، کتاب مقدس بود.

بنابراین، شما نسخه‌های زیادی از عهد جدید دارید. و برخی از این نسخه‌ها مربوط به خیلی قبل‌تر هستند. منظورم این است که ما قطعه‌ای از انجیل یوحنا از اوایل قرن دوم داریم.

بنابراین، ما داریم صحبت می‌کنیم، شاید یک نسل، در این صورت، داریم درباره چیزهایی صحبت می‌کنیم که کپی می‌شوند. و گاهی اوقات این نسخه‌های خطی، این نسخه‌های خطی اولیه، حتی برای چند قرن تا زمانی که فرسوده شدند، دوباره مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، شما نسخه‌های خطی دیگری دارید که کپی می‌شوند، شاید حتی از روی برخی از نسخه‌های اصلی.

اما با گذشت زمان، گاهی کاتبان فکر می‌کردند، اوه، کسی این را جا انداخته، و آنها آن را اضافه می‌کردند، با این فکر که قرار بوده آنجا باشد، و کاتب قبل از آنها اشتباه کرده و آن را جا انداخته است. یا گاهی کاتبی اشتباه می‌کرد و تصادفاً چیزی را جا می‌انداخت. منظورم این است که سعی می‌کنید همه چیز را با دست کپی کنید و ببینید آیا تا به حال اشتباهی مرتکب می‌شوید یا خیر.

این یک اشتباه در خود کتاب مقدس نیست، بلکه یک اشتباه در کپی کردن کتاب مقدس است. خب، در این مورد، و بخشی از آن به دلیل شرایطی است که کلیسای اولیه در آن قرار داشت. منظورم این است که مانند برخی اسناد دیگر، در درباره‌های سلطنتی کپی نمی‌شد.

این متن اغلب در شرایط آزار و اذیت کپی می‌شد. در هر صورت، در این دعا، پادشاهی و قدرت و جلال از آن توسل، مرسوم بود که در پایان دعای یهودی نوعی ستایش اضافه شود. این امر در دعاهاى اولیه مسیحیان نیز مرسوم بود.

بنابراین طبیعتاً، وقتی مردم این دعا را در کلیسا می‌کردند، گاهی اوقات چیزی شبیه به این اضافه می‌کردند. خب، برخی از کاتبان از سنت‌هایی بودند که چیزی شبیه به این اضافه کرده بودند و به متن متی رسیدند و گفتند، اوه، این آنجا نیست. کسی آن را جا انداخته است.

و بنابراین، آنها آن را اضافه کردند و به این ترتیب وارد متن ما شد. هیچ مشکلی در دعا کردن با آن وجود ندارد. من آن را دعا می‌کنم، هنوز هم کتاب مقدسی است، اما واقعاً بخشی از متن اصلی متی نیست.

احتمالاً خیلی زود اضافه شده است. ضمیر اول شخص جمع، به ما عطا کن، ما را ببخش، ما را هدایت کن، ما را رهایی بخش. بیشتر دعاهاى عمومی یهودیان برای کل جامعه بود.

فرهنگ غربی و دعای غربی بسیار فردگرایانه است. این بد نیست. این همچنین تأکیدی در برخی دیگر از بخش‌های کتاب مقدس است.

منظورم این است که مطمئناً، روحی که در قلب‌هایمان «آبا» را فریاد می‌زند، ما یک رابطه شخصی با خدا داریم، اما این نیز کافی نیست. ما همچنین باید آماده باشیم که به عنوان بدن مسیح با یکدیگر دعا کنیم حال، به خصوص اگر در موقعیت‌های آزار و اذیت هستید که در واقع نمی‌توانید زیاد بیرون بروید تا در کنار دیگران باشید.

اما صحبت از هنجار شد، ما به این تقویت با دیگر مؤمنان نیاز داریم. ما باید با هم دعا کنیم زیرا ما در مسیح یک جامعه هستیم. روزه گرفتن در خفا، از ۱۶ تا ۱۸.

روزه اغلب بیانگر اندوه یا توبه بود، گاهی توبه جمعی، اندوه بر گناهان جامعه. و این نیز چیزی بود که باید به قلب مربوط باشد. یوئیل ۲:۱۳، قلب خود را چاک بزن، نه جامه خود را.

اشعیا ۵۸، حقیقت می‌پرسد، خداوند حکم می‌کند. برای عدالت تلاش کنید، گرسنگان را سیر کنید و غیره. دعا و روزه اغلب با دعا همراه بود.

در یهودیت اولیه، روزه گرفتن به معنای ریاضت کشیدن نبود، جایی که فقط سعی می‌کردی خودت را بد، جلوه بدهی یا چیزی شبیه به این. این یک قربانی برای خدا بود. یک بار در زندگی‌ام، وقتی نیاز جدی داشتم برای آن دعا می‌کردم و روزه می‌گرفتم تا اینکه متوجه شدم چیزهای زیادی برای دعا کردن دارم.

برای اینکه بتوانم تقریباً همه آنها را روزه بگیرم، هرگز غذا نمی‌خوردم. و بنابراین، من فقط به عنوان یک نظم شروع کردم. این کاری بود که من برای چندین سال انجام دادم.

و من نمی‌گویم که شما باید این کار را انجام دهید، اما من فقط یک روز در هفته روزه می‌گرفتم. و این برای نیاز خاصی نبود. این فقط یک فداکاری قلبی من به خدا بود، تقدیم یک قربانی داوطلبانه از قلبم به خدا، و اعتماد به اینکه خدا دعاهاى من را می‌شنود چون من فرزند او هستم، نه به این دلیل که روزه می‌گیرم یا این. یا آن کار را انجام می‌دهم، بلکه به این دلیل که او پدر من است.

و در آن زمان یک تجربه عبادی فوق‌العاده بود. اما روزه گرفتن راهی برای نشان دادن فداکاری عشق ما به خداست. بعضی از مردم اگر دیابت یا بیماری دیگری داشته باشند نمی‌توانند روزه بگیرند و این قابل درک است.

راه‌های دیگری هم برای نشان دادن فداکاری خود به خدا وجود دارد. اما مردم از روغن برای تمیز کردن و روغن مالیدن پوست خود استفاده می‌کردند، یا برخی فرهنگ‌ها از آن برای چرب کردن پوست سر خشک استفاده می‌کردند. بیشتر روزه‌ها در آن زمان شامل خودارضایی، عدم شستشو، اصلاح یا رابطه جنسی بود.

اما عیسی می‌گوید، نگذارید مردم بفهمند که روزه هستید. بعد از اینکه این را تمام کرد، به بخش دیگری می‌رود. و این بخش، مادی‌گرایی ما را به چالش می‌کشد، و واقعاً مادی‌گرایی ما را تا مغز استخوان به چالش می‌کشد.

شما چیزی شبیه به این را در لوقا ۱۲ دارید، جایی که شخصی نزد عیسی می‌آید و می‌گوید، عیسی، برادرم را وادار کن تا ارث را با من تقسیم کند. خب، قرار بود برادر ارث را تقسیم کند. منظورم این است که این یک امر شرعی بود.

و خاخام‌ها، این یکی از کارهای اصلی بود که قرار بود انجام دهند. قرار بود آنها با رسیدگی به آنچه قانون می‌گوید، اختلافات حقوقی را حل و فصل کنند. عیسی، به جای حل و فصل اختلاف حقوقی، به جای اینکه بگوید، بسیار خوب، من در این صورت از حق قانونی شما دفاع خواهم کرد، می‌گوید، مادی‌گرا نباشید.

به این چیزها اهمیت نده. و شاید کمی اغراق هم باشه، اما نکته اینه که عیسی و پادشاهی خدا از همه چیز مهم‌ترن. ما باید برای این چیزها زندگی کنیم، نه برای مال و اموال.

آنقدر برای دارایی‌هایتان ارزش قائل نشوید که دنبالشان بگردید. عیسی اینجا به ما می‌گوید، و در ادامه می‌گوید، آنقدر برای دارایی‌هایتان ارزش قائل نشوید که نگران‌شان هم باشید. ۱۹:۶ تا ۲۴

برخی افراد ثروت را ستایش می‌کردند. فیلسوفان اغلب آن را خنثی یا منفی می‌دانستند. یهودیت ثروت را مثبت می‌دانست، زیرا، منظورم این است که می‌توانید از آن به روش‌های مثبت استفاده کنید.

جان و سلی در مورد بخشش زیاد به فقرا صحبت کرده بود و گفته بود، تا جایی که می‌توانید درآمد کسب کنید. تا جایی که می‌توانید ببخشید. او نگفت تا جایی که می‌توانید خرج کنید، تا شاید به رونق اقتصاد کمک کند، اما از نظر کاری که می‌توانیم شخصاً انجام دهیم، ممکن است همیشه مفیدترین کاری نباشد که می‌توانیم انجام دهیم.

گاهی اوقات می‌توانیم آن را در توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری کنیم. می‌توانیم آن را در کمک به مردم به روش‌های دیگر سرمایه‌گذاری کنیم. اما کسب ثروت هیچ اشکالی ندارد.

یهودیت این را مثبت می‌دانست، اما آن را از نظر معنوی خطرناک نیز می‌دانست. مانند تثنیه ۶، وقتی وارد سرزمینی می‌شوید و تمام این مواهبی را که خدا در سرزمین به شما داده است، دارید، خدا را فراموش نکنید. یا تثنیه ۳۲، وقتی یشوع و گریفیت واقعاً لگد زدند، وقتی اسرائیل مرفه شد، خدا را فراموش کرد.

متون یهودی از بی‌ارزشی گنجینه‌های حال در مقابل گنجینه‌های حقیقی ابدی، گنجینه‌های آسمانی، سخن می‌گویند. اسنی‌ها تا آنجا پیش رفتند که مالکیت خصوصی را رها کردند. عیسی نیز به همان اندازه رادیکال است، اما نه به آن شکلی که اسنی‌ها بودند.

او شورایی برای نظارت تشکیل نمی‌دهد و نمی‌گوید، بسیار خوب، شما باید از همه این چیزها دست بکشید بلکه، عیسی ما را فرا می‌خواند که بیش از دارایی‌هایمان به دیگران اهمیت دهیم. اگر واقعاً این کار را انجام دهیم، تأثیر عمده‌ای بر نحوه استفاده ما از منابعمان خواهد داشت.

اما او نمی‌گوید که دارایی بد است، بلکه می‌گوید اولویت باید با انسان‌ها باشد. 19.6-21، طوری زندگی کنید که انگار گنج آسمانی مهم است. اغلب مردم تمام پس‌انداز خود را در یک جعبه محکم در خانه یا زیر کف زمین نگاه می‌دارند.

پوشاک نیز بسته به نوع پوشاک، می‌توانست نوعی ثروت محسوب شود. این منبعی بود که مردم داشتند. تصور می‌شد که اطاعت در زمین، به ویژه نیکوکاری، گنجی در بهشت به دست می‌آورد.

این یک درک رایج یهودی بود. بنابراین، مردم لزوماً در اصل با آنچه عیسی در اینجا می‌گوید مخالف نبودند. آنها ممکن است در مورد اینکه عیسی چقدر آن را پیش برده است، مخالف باشند، زیرا عیسی کاملاً رادیکال بود.

مادی‌گرایی ما را نسبت به دیدگاه خدا کور می‌کند. ۲۲:۶-۲۳. او در مورد این صحبت می‌کند، به معنای واقعی کلمه می‌گوید، بگذار چشم‌ت تنها باشد. و این اغلب برای ترجمه کلمه عبری «کامل» در عهد عتیق استفاده می‌شد.

اما همچنین از یک فداکاری خالصانه به خدا سخن می‌گوید. او یک چشم را با یک چشم بیمار یا یک چشم بد مقایسه می‌کند. چشم مجرد اغلب به معنای، در اصطلاحات یهودی، اغلب به معنای یک چشم سخاوتمند یا یک چشم سالم بود.

قرار می‌دهد. این می‌تواند به معنای حسود یا بخیل، paneras، و او این چشم سالم را در مقابل چشم بد یا بیمار باشد. پس بگذار چشم‌ت هنگام نگاه کردن به مردم سخاوتمند باشد.

نگذار خسیسانه باشد، مثلاً بگوید: «اوه نه، می‌خواهم این را برای خودم نگاه دارم.» او می‌گوید نمی‌شود هم عاشق خدا بود و هم عاشق مال دنیا. مال دنیا روشی بود که یهودیان گاهی اوقات، با استفاده از زبان آرامی، به پول شخصیت می‌بخشیدند.

اینجا، این اصطلاح برای پول است، اما عیسی از آن استفاده می‌کند و برخی دیگر از مردم از آن به عنوان یک شخصیت استفاده می‌کنند. یا خدا است یا ثروت. شما نمی‌توانید پول را پرستش کنید.

نمی‌توان برای پول زندگی کرد. و کلمه قبلی، می‌توانستم از ترجمه سخاوتمندانه استفاده کنم، اما از ترجمه مجرد استفاده کردم که بخشی از معنای تحت‌اللفظی است، زیرا به این معنی، مجرد در مقابل مضاعف، نیز منتقل می‌شود. بنابراین، وقتی او در مورد یک خدمتکار صحبت می‌کند که نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند، شما باید یک ارباب داشته باشید.

شما نمی‌توانید هم به خدا خدمت کنید و هم به مال دنیا. در آن زمان چند برده مشترک وجود داشت، اما معمولاً خیلی خوب پیش نمی‌رفت. سپس عیسی ادامه می‌دهد که آنقدر برای دارایی‌هایتان ارزش قائل نشوید که نگران آنها باشید، ۶۲۵ به ۳۴.

خداوند وعده‌های اولیه را می‌دهد. و مثال‌هایی که او اینجا می‌زند، موارد اولیه مانند غذا و لباس هستند. بنابراین، صحبت از ثروتمند شدن و رانندگی با ماشین‌های بسیار گران‌قیمت و غیره نیست.

خداوند اصول اولیه را وعده می‌دهد، اما او اصول اولیه را وعده می‌دهد. او می‌خواهد اصول اولیه را در اختیار ما قرار دهد. فیلسوفان و خاخام‌ها اغلب از طبیعت درس می‌گرفتند، و عیسی نیز از طبیعت درس می‌گرفت.

منظورم این است که این به زمان شاه سلیمان برمی‌گردد. بخشی از حکمت او در مورد طبیعت بود. بنابراین امروز ما رشته زیست‌شناسی را داریم.

ما از زیست‌شناسی چیزهای زیادی می‌آموزیم، اما اغلب اصول اخلاقی را از زیست‌شناسی استخراج نمی‌کنیم. اما نویسندگان باستان اغلب با نگاه به جهان اطراف خود، چیزهایی در مورد روش کار خدا نیز می‌آموزند. خاخام‌ها می‌گفتند که هیچ پرنده‌ای بدون فرمان خدا به زمین نمی‌افتد.

و ممکن است ایده مشابهی باشد که عیسی در اینجا به آن اشاره می‌کند. او هر گنجشکی را می‌شناسد. او هر سوسن را می‌شناسد.

او از آنها مراقبت می‌کند. چرا نگران هستی، انگار که او از تو مراقبت نخواهد کرد؟ تو از گنجشک‌های زیادی بارزش‌تری. شغل‌ها ضروری تلقی می‌شدند.

آنها در خروج ۲۲ بدیهی فرض شده بودند. حتی یحیی تعمید دهنده، منظورم این است که او فقط یک ردا داشت، اما چیزی داشت. عیسی حتی این را نیز به چالش می‌کشد.

او می‌گوید، به ردای خود تکیه نکن؛ به خدا تکیه کن، کسی که لباس را فراهم می‌کند. و او در فصل ۲۴ در مورد این موضوع صحبت خواهد کرد.

می‌دانید، اگر زندگی‌تان در خطر باشد، ممکن است مجبور شوید لباس بیرونی‌تان را کنار بگذارید، هرچند به لباس بیرونی‌تان نیاز دارید، اما زندگی شما مهم‌تر است و خدا به زندگی شما اهمیت می‌دهد. عیسی می‌گوید بت‌پرستان به دنبال مادیات هستند. یهودیان بت‌پرستان را خیلی دوست نداشتند، بیشتر یهودیان، به خصوص در یهودیه و جلیل.

و بنابراین، عیسی می‌گوید، بت‌پرستان به دنبال مادیات هستند. شما که نمی‌خواهید مثل آنها باشید، نه؟ و ۶:۳۲. او ما را از دعا کردن منع نمی‌کند. منظورم این است که او به ما آموخت که برای نان روزانه ۶:۳۱. خود دعا کنیم.

می‌توانید آن را در فصل ۶ و آیه ۱۱ به یاد بیاورید. اما این موضوع به اولویت‌ها مربوط می‌شود. به یاد داشته باشید، او به ما آموخت که ابتدا دعا کنیم، نام تو مقدس باد، پادشاهی تو بیاید، اراده تو انجام شود.

و به همین دلیل است که او در ادامه می‌گوید، ابتدا پادشاهی را جستجو کنید، و همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد. او می‌گوید، نگران نباشید. بت‌پرستان به دنبال این چیزها هستند، اما لازم نیست نگران این چیزها باشید، درگیر این چیزها شوید.

او می‌گوید نگرانی نمی‌تواند حتی یک ذراع، که معمولاً واحد اندازه‌گیری طول است، به طول عمر شما اضافه کند. احتمالاً یک روش تصویری برای جلب توجه مردم است، اگرچه ذراع، گاهی اوقات می‌توان از این زبان به

روش‌های مختلف استفاده کرد. در واقع، یهودیان قبلاً می‌دانستند که در کتاب سیراخ آمده است که نگرانی می‌تواند به جای افزایش طول عمر، آن را کوتاه کند.

حکیم دیگری که پس از عیسی سخن می‌گوید، اما شاید با اشاره به یک سنت آشنا در میان حکیمان، می‌گوید نگرانی‌های امروز برای امروز کافی است. نیازی نیست نگرانی‌های فردا را به آن اضافه کنید. بنابراین، عیسی می‌گوید، شما امروز به اندازه کافی مسئله دارید که به آنها پردازید.

فقط شروع به ایجاد نگرانی‌های بیشتر و نگران بودن در مورد همه چیز نکنید. اضطراب گاهی اوقات به صورت بیوشیمیایی ایجاد می‌شود. همیشه چیزی نیست که بتوانیم به آن کمک کنیم.

اما نگرانی چیزی است که ما انجام می‌دهیم. و عیسی می‌گوید، روی خدا تمرکز کنید. به وفاداری خدا فکر کنید.

به جای نگرانی به خدا توکل کن. این یکی از نقاط قوت من در سال‌های پیش بود، بیشتر از الان. اما این چیزی است که باید یاد بگیریم.

و او می‌گوید، اوه، شما ایمان کمی دارید. آیا نمی‌دانید که خدا روزی شما را خواهد داد؟ این یک عبارت یهودی بود. در انجیل مرقس، اغلب شاگردان ایمان کمی داشتند.

اما شما این را اغلب در انجیل متی پیدا می‌کنید. شما ایمان کمی دارید. در انجیل مرقس، گاهی اوقات آنها بی‌ایمان بودند.

اما در هر صورت، عیسی در ادامه می‌گوید، قضاوت نکنید. قضاوت کردن یک حق الهی است. و افراد دیگری، دیگر فرزندان یهودی نیز بودند که همین باورها را در مورد قضاوت داشتند.

سیراخ، هیلل و غیره، همه می‌گفتند که دیگران را قضاوت نکنید. حتی یک ضرب‌المثل یهودی وجود دارد درست مانند همان که عیسی اینجا استفاده می‌کند، هر چه بسنجی، به تو داده خواهد شد. عیسی می‌گوید که انسان با توجیه گناه، خود را کور می‌کند.

این یک تصویر عجیب و غریب است. مثل این است که یک جراح چشم نابینا چشمان شما را عمل کند. تلمود از مجموعه‌ای از سنت‌های خاخام‌های یهودی استفاده می‌کند.

تلمود نیز جمله‌ی مشابهی دارد. در آن از کسانی که از ملایم‌ترین انتقادهای رنجیده می‌شوند، شکایت شده است. اگر به کسی گفته شود، تراشه را از چشمت بیرون بیاور، او در جواب می‌گوید، خب، تیر را از چشمت بیرون بیاور.

بنابراین، ممکن است عیسی در اینجا از یک عبارت آشنا استفاده کرده باشد. اما این واقعاً یک تصویر عجیب و غریب است. وقتی در برخی متون باستانی در مورد جراحان چشم می‌خوانید، اگر آنها هنگام تلاش برای عمل جراحی به چشم شما آسیب برسانند، چشم خودشان آسیب دیده است.

چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. فکر نمی‌کنم آن موقع‌ها می‌خواستم جراح چشم شوم. اما تصویر اینجا حتی عجیب‌تر است.

این درخت از چشم‌ت بیرون زده است. آیه ۶ کمی دشوارتر است و مفسران در تفسیر آن مشکل دارند. اینکه این آیه به عنوان یک ضرب‌المثل منفرد چه معنایی می‌تواند داشته باشد یک چیز است، اما اینکه در این زمینه چگونه عمل می‌کند چیز دیگری است؟ خب، من بهترین حدسم را در این مورد به شما می‌گویم.

این لزوماً درست نیست، اما بهترین چیزی است که می‌توانم بفهمم. فکر می‌کنم این یک ضرب‌المثل است، مثل آنچه در امثال ۲۳:۸ آمده است، جایی که در متی ۷:۶ می‌گوید: «مرواریدهای خود را پیش خوک‌ها نیندازید، مبادا برگردند و شما را بدرند.» امثال ۲۳:۹: «در گوش احمق سخن نگویند، که فقط حکمت.» سخنان شما را تحقیر خواهد کرد.

در متن، احتمالاً به اصلاح کسانی اشاره دارد که اصلاح نمی‌شوند. بنابراین، تلاش برای اصلاح آنها بیهوده است. و شما این را در امثال ۹:۸ نیز می‌بینید، ایده اصلاح کسی که آن را دریافت نمی‌کند.

انسان باید با درایت به ارائه حکمت یا موهبت پادشاهی، مانند متی ۱۳، تنها به کسانی که مایل به دریافت آنچه او ارائه می‌دهد هستند، همانطور که خدا انجام می‌دهد، ادامه دهد. به همین دلیل است که در متی ۱۰ از آنها خواسته شده است که خاک پاهایشان را بتکانند. حقیقت را در دیگران برخلاف میلشان تحمیل نکنید.

اگر حاضر به گوش دادن نیستند، به سراغ کس دیگری بروید. شاید بعداً گوش دهند، می‌توانید برگردید. اما اگر گوش نمی‌دهند، نمی‌توانید آنها را مجبور به پذیرش آن کنید.

به طور واضح‌تر، در فصل ۷، آیات ۷-۱۱، هدایای خوب تضمین شده‌اند. خداوند می‌تواند هر چیزی را برای صالحان فراهم کند. ۷، ۱۰-۱۱.

این یک وعده خارق‌العاده برای دعا است. مثل الیاس که برای چیزهایی دعا کرد و آنها اتفاق افتادند. اما در اینجا برای همه مؤمنان اعمال می‌شود.

در یهودیت باستان، معمولاً وقتی در مورد چیزی شبیه به این صحبت می‌کردند، آن را فقط به افراد بسیار خاص و مقدس نسبت می‌دادند. اما عیسی می‌خواهد همه ما به عنوان شاگردان تشخیص دهیم که خدا پدر ماست و همه ما می‌توانیم به پدر دعا کنیم و به او اعتماد کنیم. خب، انواع مثال‌هایی که او در اینجا برای دعا ارائه می‌دهد، مثلاً اگر نان بخواهید، و لوقا نیز، اگر تخم مرغ بخواهید، اینها موارد اساسی هستند.

او اینجا به نان و ماهی اشاره می‌کند. اکثر پدران نمی‌توانستند بیشتر از این را مرتباً فراهم کنند، فقط مایحتاج اولیه. با این حال، مراقبت پدرانه‌ی خداوند، تضمینی است که او پاسخ خواهد داد.

فصل ۷ و آیه ۱۱. عیسی در اینجا از چیزی استفاده می‌کند که خاخام‌ها آن را ندای عومر می‌نامند، و این استدلال چقدر بیشتر است. عیسی می‌گوید، اگر شما، که شریر هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندانان هدایای خوب بدهید، پدر آسمانی شما، که آشکارا شریر نیست، چقدر بیشتر به کسانی که از او درخواست می‌کنند، هدایای خوب خواهد داد؟

و لوقا بر یک موهبت ویژه و خوب، یعنی روح القدس، تمرکز می‌کند. متی به طور کلی‌تر صحبت می‌کند. فصل ۷ و آیه ۱۲.

با دیگران همان کاری را بکن که دوست داری با تو بکنند. خب، این یک اصل گسترده در اخلاق باستانی بود حتی در فرهنگ‌هایی که از نظر اخلاقی مستقیماً با چین مرتبط نبودند. من تعدادی از عبارات کنفوسیوسی را

پیدا کردم که بسیار شبیه به اخلاق کتاب مقدس هستند، اگرچه در مورد جنسیت شاید مشکلاتی وجود داشته باشد.

اما بسیاری از گفته‌های کنفوسیوس منطقی بودند. اما این یک اصل گسترده در اخلاق باستانی است که می‌گوید: با دیگران همان کاری را بکن که می‌خواهی با تو انجام شود. شکل مثبت آن بارها در ادبیات یونانی آمده است.

این عبارت در آثار هرودوت، سقراط، هومر و سنکا دیده می‌شود. شکل منفی آن به طور گسترده و اغلب در ادبیات یهودی، توبیت، فیلون و گفته‌ای منسوب به هیلل دیده می‌شود. همچنین، در ادبیات یهودی هلنیستی گاهی اوقات هر دو شکل آن را دارید، مانند نامه آریستئاس.

عیسی می‌گوید، با دیگران همان کاری را بکن که می‌خواهی با تو بکنند، و می‌گوید این تمام شریعت و نوشته‌های انبیاست. او همچنین در متی ۲۲ در مورد دوست داشتن خدا و دوست داشتن همسایه می‌گوید. اینها راه‌هایی بودند که خلاصه می‌شدند.

اگر با همسایه‌ات همان کاری را بکنی که دوست داری با تو بکنند، خب، اصول شریعت را اجرا خواهی کرد. و این در واقع چیزی بود که به هیلل نیز نسبت داده می‌شود. هیلل قبل از عیسی می‌زیست.

این در واقع چند قرن پس از عیسی ثبت شده است. اما از آنجایی که خاخام‌ها تمام تلاش خود را کردند تا از عیسی نقل قول نکنند، احتمالاً این موضوع به گذشته برمی‌گردد. احتمالاً این ایده آشنا تر است.

بنابراین، داستان از این قرار است، یک غیریهودی نزد شمای آمد که به اندازه هیلل دوستانه نبود. شمای یک خاخام متفاوت از نسل قبل از خدمت عیسی بود و شمای نجار بود. و او نزد شمای آمد و گفت، اگر بتوانی کل تورات را در مدت زمانی که برای ایستادن روی یک پا لازم است به من یاد بدهی، من به یهودیت خواهم گروید.

خب، ربی شمای خیلی از این حرف خوشش نیامد. او چوب نجاری‌اش را برداشت و مرد را زد. خب، بعد مرد پیش هیلل آمد و گفت، اگر بتوانی کل تورات را در حالی که روی یک پا ایستاده‌ای به من یاد بدهی، من به یهودیت روی می‌آورم.

بنابراین، هیلل می‌گوید، بسیار خوب، با همسایه‌ات کاری را نکن که نمی‌خواهی با تو بکنند. و این کل شریعت است، و آن مرد که به یهودیت گرویده بود. عیسی همچنین در متی ۷، آیات ۱۳ تا ۲۷، به ادعاهای حال در مقابل داوری آینده می‌پردازد. راه باریک‌تر از آن چیزی است که شنوندگان عیسی فکر می‌کنند.

تصویر دو راه در منابع باستانی رایج و در یهودیت بسیار رایج بوده است. یک نمونه از آن یوحنا بن زکای است. او یکی از علمای برجسته خاخامی قرن اول بود.

وقتی در بستر مرگ بود، گفت: «دو راه پیش روی خود می‌بینم و می‌ترسم چون نمی‌دانم به کدام سمت می‌روم.» بیشتر معاصران عیسی به خدا احترام می‌گذاشتند. آنها به تورات احترام می‌گذاشتند.

این بخشی از فرهنگ آنها بود. و با این حال، برخی اشاره کردند که بیشتر آنها گمراه شده‌اند. 4. عزرا 7-8 و برخی دیگر از دیدگاه‌های فرقه‌ای، از جمله طومارهای دریای مرده، اذعان داشتند که بیشتر مردم گمراه شده‌اند.

و عیسی نیز همین را می‌گوید. این برای جلب توجه ماست. اکثر مردم گمراه شده‌اند، از جمله بسیاری از افرادی که فکر می‌کردند به اندازه کافی تورات را رعایت می‌کنند و به اندازه کافی خدا را گرامی می‌دارند.

آیات ۱۵-۲۳. پیامبران حقیقی باید از عیسی اطاعت کنند. هر کسی می‌تواند بگوید که از جانب خدا سخن می‌گوید، اما شما باید طوری زندگی کنید که انگار به خدا خدمت می‌کنید.

قبل از سقوط اورشلیم، پیامبران نجات‌بخشی در آن بودند. و تا زمانی که معبد سوزانده شد، آنها در معبد بودند و می‌گفتند: «خدا از معبد محافظت خواهد کرد.» خدا از معبد محافظت خواهد کرد.

چند نفر بودند که حقیقت را می‌گفتند. یکی از آنها یوشع، بن و عنانیا بود که می‌گفت معبد ویران خواهد شد. و یسوعا، عیسی، نیز گفته بود که معبد ویران خواهد شد.

اما بسیاری از پیامبران بودند که فقط آنچه را که مردم می‌خواستند بشنوند و آنچه را که خود پیامبران می‌خواستند، به مردم می‌گفتند، گویی این کلام خداوند است. عیسی می‌گوید، اینگونه پیامبران را خواهید آزمود. اینگونه آنها را خواهید شناخت.

شما آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت، نه از عطایایشان. خدا را به خاطر عطایایش شکر کنید. مخاطبان متی، اینها افرادی بودند که به نبوت اعتقاد داشتند.

آنها به پیامبران اعتقاد داشتند. منظورم این است که عیسی یک پیامبر بود. اما پیامبران باید آزمایش شوند.

وجود دارد که خیلی قدیمی است، احتمالاً اوایل قرن (Didache) یک اثر مسیحی اولیه دیگر به نام دیداکه دوم. برخی آن را حتی قدیمی‌تر هم می‌دانند. اما دیداکه در مورد این صحبت می‌کند که وقتی پیامبران نزد شما می‌آیند، آنها را آزمایش کنید.

اگر آنها برای پول این کار را می‌کنند، پیامبران دروغین هستند. بنابراین در داخل کلیسا، این پیامبران دروغین به قیمت جان برخی از شاگردان تمام می‌شوند، آیه ۱۵. او از آنها به عنوان گرگ‌هایی در لباس میش یاد می‌کند.

دشمنی بره‌ها و گرگ‌ها ضرب‌المثل بود، و شکارچینی که با لباس مبدل می‌آمدند نیز آشنا بودند. در افسانه‌های ازوپ گرگ را در لباس میش داریم. بنابراین، نکته این است که آنها خطرناک هستند.

آنها به ظاهر قوم خدا می‌آیند، اما در واقع برای خدا صحبت نمی‌کنند و برای خدا زندگی نمی‌کنند. روز داوری. خدا در روز داوری قلب‌ها را آشکار خواهد کرد.

وقتی می‌گویند، مگر ما به نام تو نبوت نکردیم، به نام تو معجزات انجام ندادیم، و به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ گاهی اوقات این می‌تواند واقعاً واقعی باشد که خدا می‌تواند از طریق مردم کار کند. به کتاب داوران فکر کنید، جایی که خدا حتی پس از اینکه سامسون شروع به گناه کرد، هنوز از طریق او کار می‌کرد.

سرانجام، این [گناه] دامگیر او شد. اما مدتی بود که او هنوز گناه می‌کرد، و این اتفاق قبل از دست دادن موهبت و قدرتی رخ می‌داد که پس از توبه دوباره به دست آورد، اما با قیمتی بسیار بالا. و می‌توانید به شاول پادشاه فکر کنید، که در ابتدا توسط روح خدا مسح شده بود.

او دارد نبوت می‌کند. خب، بعداً، روح خداوند در فصل ۱۶ او را ترک می‌کند، و او دارد به هر وسیله‌ای که این راء رواخ باشد، نبوت می‌کند، چه روح شیطانی باشد چه روح داوری. من معمولاً فکر می‌کنم که این یک روح شیطانی است، اما بیشتر همکاران عهد عتیق من با من موافق نیستند.

اما در هر صورت، و بعداً او به جایی می‌رسد که روح خداوند بسیار قوی است، او در اول سموئیل ۱۹ شروع به نبوت با روح خداوند می‌کند. نه به این دلیل که او خداترس است، بلکه به این دلیل که در آن مکان خداترسی و قدرت روح بسیار زیاد است. برخی از مردم به دلیل دعا‌های دیگران یا به این دلیل که در مکانی هستند که خداوند می‌خواهد به مردم خدمت کند، می‌توانند کارهایی را برای خدا انجام دهند.

ما نباید به خاطر کارهایی که انجام می‌دهند، آنها را مغرور کنیم، زیرا ما از دل مردم خبر نداریم. پولس در اول قرنتیان ۴ می‌گوید که آن روز اعلام خواهد شد. و ما نمی‌دانیم.

گاهی اوقات یک شخص حتی می‌تواند دقیقاً پیشگویی کند، اما واقعاً درست زندگی نمی‌کند. بنابراین، او می‌گوید، تو این را به خودت گفتی، اما من هرگز تو را نمی‌شناختم. خب، این یک شکل قانونی برای انکار است.

نکته جالب دیگر این است که آنها در روز داوری فریاد می‌زنند: «خداوندا، خداوندا، عیسی. عیسی قاضی روز داوری است. حال، در برخی متون یهودی، این می‌تواند به یک زیردست برای خدا اطلاق شود.

اما معمولاً در متون یهودی، خدا به عنوان داور روز داوری به تصویر کشیده می‌شد. در نهایت، در آیات ۲۴ تا ۲۷، عیسی این خطبه را با مقایسه سخنان خود با تورات به پایان می‌رساند. عیسی در روز داوری می‌شود و مردم بر اساس چگونگی تکیه بر آموزه‌های او داوری خواهند شد.

یک تمثیل مشابه تنائیتی وجود دارد. وقتی می‌گویم تنائیتی، منظور یک تمثیل اولیه خاخی از لایه‌های اولیه ادبیات خاخی است. یک تمثیل مشابه، که اگر بر روی صخره بنا کنی، نجات خواهی یافت.

اگر بر روی شن بنا کنی، در داوری نابود خواهی شد. اما صخره در آن مثل به تورات اشاره دارد. اما عیسی می‌گوید، هر که بر کلام من بنا کند.

و بنابراین، او این تمثیل درباره تورات را در کلام خود به کار می‌برد. آموزه‌های عیسی در همان سطح تورات است. این کلام خداست.

طوفان ممکن است به داوری نهایی اشاره داشته باشد، اما در زندگی روزمره نیز، گاهی اوقات می‌توانیم تحت تأثیر این چیزها قرار بگیریم. عیسی در آیات ۲۸ و ۲۹ می‌شنود، اقتدار او را تشخیص می‌دهد. وقتی عیسی سخنانش را تمام کرد، و اینگونه است که هر پنج بخش اصلی گفتمان در متی به پایان می‌رسد.

وقتی عیسی این سخنان را به پایان رساند، مردم به اقتدار او پی بردند. کاتبان معمولاً به کاتبان پیشین استناد می‌کردند. عیسی به هیچ کس دیگری وابسته نبود.

او گفت، شنیده‌اید که می‌گویند، یک مرد، به شما می‌گویم، تقریباً همانطور که خداوند می‌گوید. او با اقتدار تعلیم می‌دهد. حال، این عبارت در مرقس ۱:۲۲ آمده است. مرقس ۱:۲۷ از تعلیمی جدید با اقتدار صحبت می‌کند.

متی این را حذف می‌کند، زیرا می‌خواهد بر پیوستگی با تورات تأکید کند. اما اگرچه عیسی تورات را تفسیر می‌کند، اما با اقتدار بیشتری نسبت به سایر معلمان صحبت می‌کند. چرا؟ زیرا عیسی کسی است که واقعاً صلاحیت ارائه کلام خدا را دارد، و نه فقط سعی در توضیح آنها دارد.

در متی باب‌های ۸ و ۹، نمونه‌هایی از معجزات عیسی را داریم. ۱۰ معجزه مشخص وجود دارد. دو تا از آنها در یک داستان با هم ظاهر می‌شوند.

دختر رهبر کنیسه و زنی که خونریزی داشت. بنابراین، شما 10 معجزه مشخص دارید که برخی از محققان فکر می‌کنند یادآور 10 بلای موسی است، اگرچه دقیقاً با آنها مطابقت ندارند. در انجیل یوحنا، هفت نشانه دارید.

اولین آنها تبدیل آب است، نه به خون، بلکه به شراب. و آخرین آنها مرگ نخست‌زاده نیست، بلکه زنده کردن ایلعازر است. حداقل کمی تطابق در یوحنا با اولین و آخرین وجود دارد.

اما، ۱۰ معجزه مشخص، اما در واقع نه داستان معجزه. آنها در سه بخش شاگردی گروه بندی شده‌اند. بنابراین، شما یک مجموعه از سه معجزه، تعلیم و شاگردی، یک مجموعه از سه معجزه دیگر، تعلیم و شاگردی، یک مجموعه از سه معجزه دیگر، تعلیم و شاگردی دارید.

تعلیم از معجزات عیسی. به یاد داشته باشید، بیش از ۳۰٪ انجیل مرقس شامل معجزات است. یک پنجم کتاب اعمال رسولان شامل معجزات است.

بخش زیادی از متی، اگرچه متی بخش‌های آموزشی وسیع‌تری نسبت به مرقس دارد. مطالب آن بیش از حد زیاد است که بتوان از آنها غافل شد. با این حال، حداقل در غرب، مردم گاهی اوقات از این موارد غفلت می‌کنند، یا فقط سعی می‌کنند آنها را معنوی جلوه دهند.

در متن فصل‌های ۸ و ۹ انجیل متی، بین مجموعه اول و دوم داستان‌های معجزه‌آسا، ما اقتدار عیسی بر مردم را می‌آموزیم. عیسی بر بیماری‌ها، طوفان‌ها و ارواح اقتدار دارد. پس چرا خودمان را تسلیم اقتدار او نکنیم؟ در فصل بعد از فصل‌های ۸ و ۹ انجیل متی، فصل ۱۰، عیسی کارگران را به مزارع خود می‌فرستد تا سلطنت خدا را موعظه کنند و سلطنت خدا را نشان دهند، همانطور که عیسی در این انجیل انجام داده است.

نشان دادن سلطنت خدا، نشان دادن اقتدار خدا با شفای بیماران، زنده کردن مردگان، پاک کردن جذامیان، بیرون راندن شیاطین و غیره. بنابراین، عیسی این را به عنوان مثالی برای شاگردانش به کار می‌برد. خوب، هرمنوتیک اولیه یا روش تفسیری اولیه، داستان‌های واقعی را به صورت تمثیلی بیان نمی‌کند.

آنها را فقط به نماد تبدیل نکنید. داستان‌های معجزه‌آسا قطعاً پیامدهایی برای بازیابی معنوی دارند. آنها پیامدهای زیادی برای بازیابی معنوی دارند.

اما بیشتر آنها صریحاً از ترمیم فیزیکی صحبت می‌کنند. بنابراین، فکر می‌کنم اکثر مسیحیان در اکثر جهان، معمولاً این داستان‌های معجزه‌آسا را نه فقط به عنوان نماد، بلکه به عنوان کاری که خدا انجام می‌داد، می‌خوانند. و معمولاً در دوران باستان نیز اینگونه خوانده می‌شدند.

منظورم این است که اگر در محافل بت‌پرستی به معبد آسکلپیوس فکر کنید، و آنجا گواهی‌هایی از معجزات مختلف آسکلپیوس بر روی دیوار وجود داشته باشد، هدف از آن معجزات روی دیوار چه بوده است؟ تا

کسی که وارد معبد آسکلپیوس می‌شود بگوید، آه، آسکلپیوس می‌تواند به من هم معجزه‌ای بدهد. وقتی این داستان‌ها را در مورد عیسی می‌خوانیم، آنها در مورد خداوندی به ما می‌گویند که به طور کلی به ما اهمیت می‌دهد، نه فقط از نظر معنوی، بلکه از نظر جسمی نیز. باز هم، پادشاهی هنوز فرا نرسیده است.

ما اکنون از تمام برکات مادی برخوردار نیستیم. اما این بدان معنا نیست که برای شفا دعا نمی‌کنیم، به خصوص در جریان به اشتراک گذاشتن انجیل با مردم. من این را از همان اوایل، زمانی که به عنوان یک مسیحی بسیار جوان، کتاب اعمال رسولان را می‌خواندم، متوجه شدم.

من متوجه شدم که این روش اصلی جلب توجه به انجیل است. انجمن‌های بحث عمومی وجود داشت، اما روش اصلی این بود که شما کتاب اعمال رسولان را مرور کنید، خدا آیات و معجزات انجام داد و توجه مردم را به انجیل جلب کرد. بنابراین، من در چند مجتمع آپارتمانی کار می‌کردم و، می‌دانید، یک نفر آنجا مشکلی داشت.

برایش دعا کردم. هیچ اتفاقی نیفتاد. یک نفر دیگر هم مشکلی داشت.

در این مورد، مشکل زانویش بود. او گفت، اوه، کریگ، دکتر نمی‌تواند کاری برای زانویم انجام دهد. اوضاع خیلی بد است.

بنابراین، از او پرسیدم که آیا می‌توانم برایش دعا کنم. او گفت، حتماً. و چند روز بعد برگشت.

او گفت، کریگ، تو فوق‌العاده‌ای. از وقتی برای زانویم دعا کردی، بهتر شده. حالا باید از تو بخواهم که برای ریه‌هایم دعا کنی.

من خون سرفه می‌کردم و دکترم فکر می‌کند سرطان ریه دارم. بنابراین گفتم، بسیار خب. در وقت ناهار، می‌آیم و برای ریه‌هایت دعا می‌کنم.

اما، می‌دونی، واقعاً باید سیگار کشیدن رو ترک کنی. برای ریه‌ها خوب نیست. گفت: «دکتر من هم همینو می‌گه».

اما در هر صورت، در وقت ناهار، به آنجا رفتم و گفتم، بسیار خوب، حالا می‌خواهم برایت دعا کنم که خدا تو را شفا دهد. اما چه خدا تو را شفا دهد چه ندهد، روزی خواهی مرد و باید برای ملاقات با او آماده باشی. او با من دعا کرد که مسیح را به عنوان خداوند و ناجی خود بپذیرد، و سپس من برای شفای او دعا کردم، و او شفا یافت.

دیگر سرفه‌های خونی نداشت. دکتر گفت، اوه، بالاخره سرطان ریه نداری. و او تا سنین پیری زنده ماند.

من قبلاً می‌گفتم که او دیگر پیر شده است، اما با بالا رفتن سن خودم، تعریف پیر را تغییر می‌دهم. به هر حال، همانطور که در ادامه به این مثال‌ها می‌پردازیم، اینها نمونه‌هایی هستند که ما را به اعتماد و ایمان به خداوند که می‌تواند هر کاری انجام دهد، دعوت می‌کنند. او همیشه هر کاری را که ما می‌خواهیم انجام نمی‌دهد.

اما او ما را می‌شنود، ما را دوست دارد و به دعاها پاسخ می‌دهد. یکی از این نمونه‌ها، تمایل عیسی برای شفای یک جذامی است، فصل ۸، آیات ۱ تا ۴. این مرد در شرایط سختی قرار دارد. او از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده است.

او یک جذامی است. این موضوع برای او پیامدهای جسمی دارد، اما پیامدهای اجتماعی نیز دارد. لاویان ۱۳، قرار است او فریاد بزند، نجس، نجس، تا کسی او را لمس نکند و دچار ناپاکی مذهبی نشود.

مرد اعتماد کامل خود را به توانایی عیسی در شفای خود ابراز می‌کند. او می‌گوید: «خداوندا، اگر بخواهی، می‌توانی این کار را انجام دهی.» او قدرت عیسی را تصدیق می‌کند، اما فروتنی نیز دارد.

او تشخیص می‌دهد که حق انتخاب با عیسی است. این به معنای فقدان ایمان نیست، همانطور که وقتی سه دوست دانیال گفتند: ای پادشاه، خدا قادر است ما را نجات دهد، اما حتی اگر این کار را نکند، ما در برابر تصویر تو سجده نخواهیم کرد، فقدان ایمان نبود. یا در کتاب یوشع، وقتی کالیب می‌گوید: خب، این سرزمینی است که قرار است من بگیرم، و اگر خدا با من باشد، آن را خواهم گرفت.

او انتظار داشت که خدا با او باشد، اما حاکمیت خدا را نیز به رسمیت می‌شناخت. او به خدا جسارت نمی‌کرد. من نمی‌گویم که وقتی دعا می‌کنیم، باید این دعا را بکنیم.

بیشتر مردم وقتی پیش عیسی می‌آمدند این را نمی‌گفتند. و یک کاری که نباید بکنیم این است که از این موضوع فقط به عنوان بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از مسئولیت استفاده کنیم. یاد می‌آید یک بار با کسی که به شدت به دنبال شفا بود دعا می‌کردم.

و ما نمی‌توانیم تضمین کنیم که همه شفا می‌یابند، اما می‌توانیم در دعا در کنار آنها بایستیم. می‌توانیم وفادار باشیم و به آن اهمیت دهیم زیرا این چیزی است، منظورم این است که این برای او حکم مرگ و زندگی را دارد. و شخص دیگری دعا کرد، و او واقعاً درگیر آن شد، کسی که ما برایش دعا می‌کردیم، زیرا این برای او بسیار معنی داشت.

جان او در خطر بود. و شخص دیگری گفت، خب، خدایا، اگر اراده توست، لطفاً او را شفا بده، و این را با بی‌تفاوتی تمام گفت. شاید نتوانیم تضمین کنیم که خدا همیشه این کار را خواهد کرد، اما می‌توانیم در کنار برادران و خواهرانمان دعا کنیم و به آنها اهمیت دهیم زیرا این چیزی است که در اعماق قلب آنها ریشه دارد.

و همانطور که می‌دانیم، اغلب خدا شفا می‌دهد، هرچند نه همیشه، زیرا اگر خدا همیشه شفا می‌داد، همه حواریون قرن اول هنوز زنده بودند. منظورم این است که سر پولس بریده می‌شود، عالی است، و سرش دوباره رشد می‌کند. همه ما می‌دانیم که این روش کار نمی‌کند.

اما ما شخصیت عیسی را نیز می‌بینیم. من مشتاقم. واقعاً می‌خواهم که تو خوب باشی.

پاک شو. و عیسی نجس را لمس می‌کند. این جذامی نجس بود.

طبق لاویان ۱۳، عیسی با لمس او نجس می‌شود. اما عیسی نجس را لمس می‌کند و ناپاکی او را می‌پذیرد. و آیا این کاری نیست که عیسی برای ما انجام داده است؟ حتی بر روی صلیب، عیسی گناه ما را پذیرفت.

او خود گناه نکرد، بلکه گناه ما را پذیرفت تا ما آزاد شویم. به همین ترتیب، او حاضر است ناپاکی این مردم را بپذیرد تا آنها را پاک کند. او شکستگی ما را پذیرفته تا ما را کامل کند.

همچنین، او به دنبال افتخار خودش نیست. به یک معنا، یک راز مسیحایی وجود دارد که ممکن است در جای دیگری در مورد آن صحبت کنیم. اما عیسی نمی‌خواهد همه بدانند که او مسیح است.

او همین الان هم با کنترل جمعیت مشکل دارد. جمعیت زیادی به او فشار می‌آورند. او به زمانی برای استراحت با شاگردانش نیاز دارد.

بنابراین، او می‌گوید، به مردم نگوئید که من چه کرده‌ام. اما ما باید به شریعت موسی احترام بگذاریم. بنابراین در آیه ۴ نیز، حتماً برو و خودت را برای شهادت به کاهن نشان بده، همانطور که شریعت موسی می‌گوید.

بعضی وقت‌ها وقتی برای کسی دعا می‌کنم، می‌گویم، اگر خدا تو را شفا داد، به او نگو چه کسی برای دعا کرده. چون این چیزی نیست که مهم باشد. اگر خدا تو را شفا دهد، اگر من به نام عیسی برای تو دعا کنم، این نام عیسی است که تو را شفا داده است.

و شما می‌توانید بروید و شهادت دهید که عیسی برای شما چه کرده است. چون او واقعاً کسی است که شما را شفا می‌دهد. در اینجا مثال‌های بسیار دیگری از شفا دادن، بیرون راندن ارواح و غیره توسط عیسی وجود دارد.

در جلسه بعدی، به بررسی آنها نیز خواهیم پرداخت.

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ۹، متی ۷-۸ است.